

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشم زخم خوردن

(حقیقت آن، سبب‌های آن، تجلیات آن،

حفظ شدن از آن و درمان آن)

مؤلفین:

نیازمند عفو پروردگار، خالد بن عبدالرحمن بن حمد الشایع

مترجم:

پدرام اندایش

نام کتاب: چشم زخم خوردن

مؤلفین: نیازمند عفو پروردگار، خالد بن عبدالرحمن بن حمد الشایع

مترجم: پدram اندایش

ناشر: بوکان – انتشارات

نوبت چاپ: اول – پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان – رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ستایش و شکر برای الله تعالی است برای زیاد بودن بخشش و نعمتهایش و صلوات و سلام بر بنده و فرستاده‌اش محمد بن عبد الله، و بر آل و اصحاب و تابعین... أما بعد:

وقتی حرص جانها زیاد می‌شود و قناعت آن کم می‌شود و ایمان آن ضعیف می‌شود، حسادت بر آنچه نزد مردم است بر او چیره می‌گردد و خیر الله تعالی و نعمتهایش را در نزد دیگران زیاد می‌بیند و این اثری دارد که بعضی از مردم به بعضی دیگر وارد می‌کنند که همان چشم زخم است.

به همین دلیل مناسب دیدم تا قضیه‌ای را باز کنم که همان چشم زخم است، مخصوصاً که عده‌ای از مردم در آن افراط و تفریط می‌کنند، بعضی از آنها، آن را به طور کلی انکار می‌کنند و بعضی در آن مبالغه می‌کنند تا آنجا که فکر می‌کنند اگر عطسه‌ای بکنند، دلیل آن چشم زخم است! این مطلبی

خلاصه برای شما است و از الله تعالی درخواست می‌کنم تا
توسط آن به همگی نفع برساند و صلوات الله و سلامش بر
پیامبر ما محمد.

خالد بن عبد الرحمن بن حمد الشایع

ص.ب ۵۷۲۴۲

تمام آن در رجب ۱۴۱۵ هـ ق صورت گرفت.

پیشم زخم در پرتو قرآن و سنت

در ماجرای یوسف علیه السلام، یعقوب علیه السلام به فرزندانش وقتی می‌خواستند برای بار دوم به مصر داخل شوند، گفت: ﴿يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَلْحَكُمُ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [یوسف: ۶۷] (ای پسرانم! از یک درب وارد نشوید! و از دربهای مختلف به آن وارد شوید و من شما را ذره‌ای از الله بی‌نیاز نمی‌کنم، حکم فقط برای الله است، فقط بر او توکل می‌کنم و توکل کنندگان فقط بر او توکل می‌کنند).

حافظ ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه از تمامی امامان پیشینیان می‌گوید: وقتی یعقوب علیه السلام پسرانش را همراه بنیامین آماده نمود، به آنان سفارش نمود که تمامی آنها از یک درب وارد نشوند و به آنها امر نمود که از دربهای مختلف وارد شوند و یعقوب علیه السلام فقط برای این، آن را از پسرانش خواست

که مردم به آنها چشم زخم نزنند، زیرا آنها دارای زیبایی و هیئتی نیکو و [چهره‌هایی] زیبا بودند.

الله جلّ شأنه در سوره‌ی القلم به بنده و فرستاده‌اش محمد ﷺ می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ * وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [القلم: ۵۱، ۵۲] (نزدیک بود که کافران، وقتی قرآن را شنیدند، با چشمانشان تو را بلغزانند و می‌گویند: او جن زده [و دیوانه] است * و آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست).

معنای آیه - همانطور که بعضی از مفسران گفته‌اند - این است که مشرکان از شدت بغضشان و حسادت آنها به پیامبر ما محمد ﷺ او را با چشمانشان از کارش باز بدارند، به این معنا که به او حسودی کنند و به او چشم زخم بزنند. اگر الله تعالی از پیامبر ﷺ حمایت نمی‌کرد و او را حفظ نمی‌نمود، آنان به این کار مبادرت می‌کردند.

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ

مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرٍّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ
فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿[الفلق]﴾ (بگو: پناه
می‌برم به پروردگار فلک * از شر آنچه آفریده است * و از
شر تاریکی وقتی فرا می‌گیرد * و از شر دمنده‌گان در گره‌ها
* و از حسودی که حسودی کند).

در آیه‌ی آخر، امر به پناه بردن [به الله تعالی] از حسود
آمده است و حسود کسی است که به کسی که الله تعالی به او
نعمت داده است، حسادت می‌کند و بغض می‌ورزد و آرزو
می‌کند تا آن از بین رود و این عمومیتی را بیان می‌دارد که
چشم زخم خوردن بر کسی که به او حسادت شده است، می-
باشد و یا آن که منظور وارد شدن بلایای دیگری می‌باشد.

این آیات دلالت می‌کند که چشم زخم حق است و این
چنین است که سنت نیز بر آن دلالت می‌کند.

مردم، به تعداد زیاد، آثاری را دیده‌اند که بیان‌کننده‌ی
چشم زخم است، عده‌ای آن را می‌شناسند و عده‌ای نمی-
شناسند و تجربه‌هایی که نزد خواص و عوام وجود دارد، بیشتر

از آن است که بیان شود، پناه بر الله چه بسیار بوده‌اند که به سبب آن کشته شده‌اند و چه بسیار افرادی که به عیادت مریض رفته‌اند و نمی‌دانند که سبب آن مریضی خود آنها هستند و چه بسیار بوده است نعمتهایی که از بین رفته‌اند و یا تغییر کرده‌اند و دلیل آنها چشم زخم بوده است!

آنچه از پیامبر ﷺ در این باره رسیده است، حدیثی است که بخاری (بخارایی) و مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «العین حق» (چشم زخم، حق است).

حافظ ابن حجر رحمه الله گفته است: «به این معنا که گرفتار شدن به آن امری است ثابت شده و موجود».

حافظ قرطبی رحمه الله درباره‌ی درست بودن اثر چشم زخم گفته است: «این سخن علمای امت است و گروهی از بدعت‌گذاران آن را انکار می‌کنند و این در حالی است که برای آنان در نصوص آشکار احادیثی حجت آورده شده است که زیاد و صحیح می‌باشند و در آنها وجود [چنین امری] مشاهده می‌گردد، چه بسیار مردانی هستند که چشم زخم آنان

را داخل قبر کرده است و چه بسیار شتران زیبایی بوده‌اند که داخل دیگ شده‌اند، ولی [باید توجه داشت] که آن، در صورت خواست الله تعالی ایجاد می‌گردد، همان گونه که می‌فرماید: ﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [سورة البقرة: ۱۰۲] (و آنها به کسی ضرری نمی‌رسانند، مگر به اذن الله) و برای قبول نکردن دلیلی از شرع و عقل ندارند و برای انکار آن به چیزی متمسک می‌شوند که اصلی ندارد».

امام علامه ابن قیم رحمه الله گفته است: «گروهی از کسانی که بهره‌ای از شنیدن - منظور شنیدن وحی است - و عقل ندارند، امر چشم زخم را باطل می‌دانند - منظور او بعضی طبیبان و سرشتیان است - و می‌گویند: آن از اوهام است و حقیقتی برای آن وجود ندارد و آنان جاهلترین مردم در شنیدن (وحی) و عقل هستند و پرده‌ای سنگین‌تر آنها را پوشانده است و دارای باق‌سوت‌ترین سرشته‌ها هستند و از همه - ی مردم در شناخت روح‌ها و جانها و صفات‌ها و فعلها و تاثیر آنها عقبتر هستند و عاقلان امت بر حسب اختلاف ملت‌ها و

قومها امر چشم زخم را رد نمی‌کنند و آن را انکار نمی‌نمایند و فقط در سبب به وجود آمدن تأثیر چشم زخم اختلاف دارند». حافظ خطابی رحمه الله درباره‌ی حقیقت چشم زخم می‌گوید: «آن فقط وقتی ضرر می‌رساند که چشم زننده در مقابلش شخصی دیگر را ببیند و این بر اساس سنتی است که الله تعالی آن را جاری می‌کند». در پس آن حافظ ابن حجر می‌گوید: «آن سخنی درست است».

سبب‌های چشم زخم

الله شما را حفظ کند، بدانید که چشم زخم از یکی از این دو سبب ایجاد می‌شود:

* اول: شدت دشمنی.

* دوم: تعجب کردن از امر و تعریف کردن از آن.

از دلیل‌های درست بودن امر چشم زخم و شدت ضرر آن:

حدیثی است که مسلم در صحیح خود از ابن عباس

رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «العین حق، ولو کان شیء سابق القدر لسبقته العین» (چشم زخم حق است و اگر چیزی بر تقدیر پیشی می گرفت، آن چشم زخم می بود) این هشدار دادن و تأکیدی بر سرعت نفوذ چشم و به وجود آمدن آن است.

بزار و دیگران از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما آورده - اند که رسول الله ﷺ فرمود: «أكثر من يموت من أمتي بعد قضاء الله وقدره بالعین» (بیشترین مرگی که در امت من به وجود می آید، بعد از قضا و قدر الله، با چشم زخم است). [حسنه الحافظ ابن حجر وصححه الألبانی].

بعضی از مردم از آن تعجب می کنند و در حالی است که این امر واقع شدنی را تصدیق می کنند، چه بسیار انسانهای بوده اند که الله تعالی مال زیادی به آنها داده است و شخصی از مردم به آن توجه کرده است و به مال او آفت و خسارت وارد شده است و تمامی آن از بین رفته است. از مردم - مخصوصاً زنان - کسانی وجود دارند که دارایی زیبایی و جمال هستند و

شخصی به آنها توجه نموده و چشم زخم خورده‌اند و به مریضی یا مانند آن گرفتار شده‌اند. به همین دلیل بسیاری از آن مریض‌ها به حال خود رها شده‌اند و پزشکان درد و درمانی را برای آنها نمی‌شناسند و تحلیل‌های طبی آنها برای آنان سلامتی به دنبال ندارد و مانند آن اتفاقاتی است که برای خودروها و مانند آنها پیش می‌آید.

* نکته: ماجرای شریح با مردی که چشم زخم می‌زد:

حافظ ابن حجر رحمه الله گفته است: طبری از طریق محمد بن سیرین آورده است که گفت: «مردی بود که بسیار چشم زخم می‌زد، قاطری را دید که برای شریح بود و از آن تعجب کرد، شریح از کار وی ترسید و گفت: اگر بنشیند، بلند نمی‌شود تا آن که تو بلندش کنی» آن مرد گفت: اُف... اُف! از آن سالم ماندم!.. و شریح در سخنش: تا تو بلند کرده شوی، منظورش این بود که تا الله تعالی او را برپا دارد.

هدایت پیامبر ﷺ در حفظ ماندن از چشم زخم و درمان آن
* از آنها: بر طرف کردن آن قبل از به وقوع پیوستن آن
می باشد:

و آن شامل اموری است که از آنها:

* محافظت نمودن بر دعاها و اوراد و اذکاری است که
صبح و شام^۱ گفته می شود، نصی وجود دارد که کسی که آنها
بگوید: الله تعالی او را حفظ می کند و او را در امان می دارد و
آنها زیاد می باشند و از آنها: فاتحه الكتاب، آیه الكرسي و
معوذتین هستند و همچنین «أعوذ بكلمات الله التامات من شر

۱ - زمان آن بعد از نماز صبح قبل از طلوع آفتاب و بعد از نماز
عصر قبل از غروب آفتاب است و اگر فراموش شد، بعد از آن دو
زمان نیز ممکن است و برای اطلاع یافتن از تمامی آنها می توانید
به کتاب پناهگاه مسلمان چاپ انتشارات حرمین رجوع
کنید. (مترجم)

ما خلق» (به تمامی سخنان الله^۱ پناه می‌برم از شر آنچه آفریده است) [سه بار]، و مانند آن.

کسی که در احوال مردم بنگرد، اخلاص بزرگی در آن می‌یابد و می‌بیند که به آن توجه نمی‌شود. حتی در کودکان و خردسالان کوچک، نیازی به این دعاها و پناه بردن‌ها وجود دارد، بخاری (بخاری) در صحیح خود از ابن عباس رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ برای حسن و حسین رضی الله عنهما [به الله تعالی] پناه می‌برد و می‌فرمود: «أُعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ»، و يقول: «إِنْ أَبَاكُمَا - إِبْرَاهِيمَ - كَانَ يَعُوذُ بِهِمَا إِسْمَاعِيلُ وَإِسْحَاقُ» (شما دو نفر را به تمامی سخنان الله پناه می‌دهم از هر شیطان و جانور گزنده و از هر چشم زخمی و می‌فرمود: پدر شما - ابراهیم - توسط آن اسماعیل و اسحاق را [به الله

^۱ - الله تعالی وقتی می‌خواهد چیزی را خلق کند، فقط می‌گوید: بشو و آن امر ایجاد می‌شود. (مترجم)

تعالی [پناه می داد).

* از حفظ شدن از چشم زخم: وقتی ترسی از چشم زخم وجود دارد به نیکی‌ها نگاه نشود، حافظ البغوی در «شرح السنه» گفته است: «روایت شده است که عثمان بن عفان کودکی زیبا را دید و گفت: بر زنخدان او خال سیاه بگذارید تا چشم زخم نخورد».

* از حفظ شدن در برابر چشم زخم قبل از واقع شدن آن: اگر شخص چیزی در وی دید که عجیب بود، برای او طلب برکت نماید و آن این گونه است که بگوید: «بارک الله لک فیه» (الله در آن برای او برکت قرار دهد) یا بگوید: «اللهم بارک علیه» (یا الله بر وی برکت قرار بده) و مانند آن. در حکمت الله الباری و تقدیرش این است که به اذن او تعالی ضرر دفع می‌شود و دلیل آن سخن پیامبر ﷺ که فرموده است: «علام یقتل أحدکم أخاه؟ إذا رأى أحدکم من أخیه ما یعجبه فلیدع له بالبرکة» (برای چه یکی از شما برادرش را می‌کشد؟ اگر کسی از شما در برادرش چیزی دید که او را به تعجب

می‌انداخت، برای او دعای برکت کند). [رواه الإمام مالک وابن ماجه].

حافظ ابن کثیر دمشقی رحمه الله گفته است: «یکی از پیشینیان گفته است: اگر کسی چیزی از حال یا مال یا فرزندی او را به تعجب انداخت، بگوید: ما شاء الله لا قوة إلا بالله (آنچه الله خواسته است و قوتی نیست مگر از جانب الله)».

ابن کثیر گفته است: «این امر از این آیهی گرامی گرفته شده است: ﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾ [الكهف: ۳۹] (و چرا وقتی وارد باغی شدی نگفتی: آنچه الله خواسته است و قدرتی نیست مگر از جانب الله).^۱ در این باره حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است که أبو یعلی الموصلی در مسند خود آن را بیان داشته است».

۱ - در آیاتی که حول این آیه وجود دارد، ماجرای شخصی که خودش را چشم زخم می‌زند، بیان شده است. (مترجم)

می‌گویم: در آنچه ابن کثیر از یکی از پیشینیان نقل کرده است، باید تأمل نمود و هرگاه شخص چیزی از حال خودش یا مالش و یا فرزندش او را به تعجب انداخت، آن عبارت را بگوید، پس چگونه خواهد بود وقتی چیزی از حال دیگری یا مال و فرزند دیگری او را به تعجب اندازد، شکی نیست که آن اولی‌تر و شایسته‌تر است که الله تعالی یاد شود و برای او دعای برکت صورت گیرد: ما شاء الله.. بارک الله.

بر کسی که از خودش برای چشم زخم زدن به دیگران می‌ترسد، واجب است تا به الله پناه ببرد و از آنچه توسط وی جاری می‌شود، اجتناب کند، بدین صورت که یاد الله تعالی را زیاد کند و از او برای مردم طلب برکت نماید و به آنچه که الله تعالی به آنها داده است، حسادت نکند، زیرا وقتی به آنها حسادت کند معنایش این است که به پروردگارش اعتراض کرده است و این زیانکاری آشکار است، و این امر باید موجب ایجاد شدن وحشت، اندوه و غم در قلبش شود.

✱ از آنچه باعث درمان چشم زخم بعد از وقوع آن

است، الرقية الشرعية (قرآن درمانی) می باشد: امری که دلیل- های دین پاک در آن وجود دارد و در قرآن و سنت آمده است، مثل: فاتحه الكتاب، آیه الكرسي و معوذتین. و این چنین است در حدیث صحیحی که از پیامبر ﷺ آمده است و آن رقیه ی جبرئیل علیه السلام برای پیامبر ﷺ است: «باسم الله أرقیک، من کل شیء يؤذیک، من شر کل نفس وعین حاسد الله یشفیک، باسم الله أرقیک» (به نام الله تو را تعویذ می دهم، از تمامی آنچه تو را آزار می دهد و از شرّ هر شخصی و چشم حسودی، الله تو را شفا دهد، به نام الله تو را تعویذ می دهم)، و مانند آن که در جای خود آشکار شده است.

علامه ابن قیم رحمه الله گفته است: «کسی که این دعاها و پناه بردنها را انجام دهد، اندازه ی منفعت آن را و شدت نیاز داشتن به آن را می شناسد، [زیرا] آنها از رسیدن چشم زخم، ممانعت به وجود می آورند و بعد از انجام پذیرفتن اش آن را دفع می کنند و این بر حسب قدرت ایمان گوینده ی آن است و همچنین قوت نفس و آماده شدنش، و قدرت توکل و ثابت

بودن قلبش، آنها سلاح هستند و هر سلاحی بسته به استفاده کننده از آن دارد».

از درمان چشم زخم این است: که مالک و ابن ماجه و دیگران به آن اشاره کرده‌اند از ابی امامه بن سهل بن حنیف، آورده است که گفت: عامر بن ربیعۀ از کنار سهل بن حنیف - یعنی پدر راوی حدیث - عبور کرد در حالی که او غسل می‌نمود و گفت: قسم به الله مانند امروز را ندیده‌ام و هیچ پوست سفید - منظورش شادابی پوست و صاف بودن آن به مانند جوانی که داماد می‌شود و چشمها او را ندیده‌اند و خورشید بر آن نور نیانداخته تا حالت آن را تغییر دهد بود - گفت: مدتی نکشید که توسط آن دچار صرع شد و بر زمین افتاد، او را نزد پیامبر ﷺ بردند و به او گفته شد: سهل دچار صرع شده است، فرمود: «تتهمون به؟» (آیا کسی را به آن متهم می‌کنید؟). گفتند: عامر بن ربیعۀ، فرمود: «علام یقتل أحدکم أخاه؟ إذا رأى أحدکم من أخیه ما یعجبه، فلیدع له بالبرکة» (برای چه یکی از شما برادرش را می‌کشد؟ اگر کسی

از شما در برادرش چیزی دید که او را به تعجب می‌انداخت، برای او دعای برکت کند)، سپس خواست تا برای او آبی بیاورند و به عامر امر فرمود که وضو بگیرد و او صورتش و دو دستش را تا دو مرفق شست و [همچنین] دو زانو و داخل ازارش را [و آب آن را در ظرف آب ریخت] و امر فرمود تا بر وی (سهل) ریخته شود. زهری گفته است: «و امر او بر این بود که ظرف آب از پشتش ریخته شود و در بعضی از روایات آمده است: او (سهل) ایستاد و مشکلی نداشت».

در این حدیث بیان درمان چشم زخم آمده است و آن بدین شکل است که آب شستشوی قسمت‌های بدن که مربوط به وضو می‌باشد و قسمتی از لباس‌هایش که با پوستش در ارتباط می‌باشد مخصوصاً قسمتی که به رانش منتهی می‌شود، از چشم زننده گرفته می‌شود و از پشت سر شخص چشم خورده بر او ریخته شود.

به همین دلیل در صحیح مسلم آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «وَإِذَا اسْتَغْسَلْتُمْ فَاغْسِلُوا» (و اگر از شما طلب غسل

شد، غسل نمایند) و معنای آن این است که اگر شخصی آب وضو یا آب شستن قسمتی از لباسهایش خواسته شد، آن را انجام دهد و برای آن عصبانی نشود.

حافظ أبو بکر بن العربی رحمه الله گفته است: «اگر شخص دینداری از کیفیت این درمان اشکالی گرفت به او می-گوییم: بگو: الله و فرستاده‌اش عالمتر هستند و این امر را تجربه به اثبات می‌رساند و با دیدن چشم، این امر تصدیق می‌شود. ولی گاهی فیلسوفی از آن ایراد می‌گیرد و البته که چنین شخصی رد نمودنش، بدیهی‌تر است؛ زیرا نزد او داروهایی وجود دارد که با قدرت خود آن را انجام می‌دهند و آن را انجام می‌دهد در حالی که درکی از آن ندارد».

علامه ابن قیم رحمه الله گفته است: «این گونه [درمان نمودن] به کسی که آن را انکار می‌کند، سودی نمی‌رساند و همچنین کسی که آن را مسخره می‌کند و همچنین کسی که شکی در آن دارد و یا آن که بدون اعتقاد آن را انجام می-دهد».

در حدیث سهل که در قبل آمد، تعدادی فایده وجود دارد، از آنها: اگر چشم زننده شناخته شد، باید آب شستشوی خود را بدهد و آن تعویذی نافع [و قابل قبول دین] است و چشم زدن از طریق تعجب کردن نیز به وجود می‌آید و فقط از روی حسادت نیست و گاهی توسط شخصی که دوستدار انسان است رخ می‌دهد و گاهی توسط شخصی صالح و کسی که دچار تعجب می‌شود باید برای آن چیزی که از آن تعجب کرده است، دعای برکت نماید و آن تعویذی [شرعی] از طرف وی است.

هشدارها:

* أول: چشم زخم زدن گاهی توسط انسانی رخ می‌دهد و گاهی توسط جن و دلیل آن حدیثی است که بخاری (بخارایی) و مسلم آن را از ام سلمه همسر پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند: او علیه الصلاة والسلام در خانه‌اش کنیزی را

دید که در صورتش سفعه^۱ وجود داشت - به این معنا که در صورتش تغییر رنگ ایجاد شده بود - او علیه السلام فرمود: «استرقوا لها، فإن بها نظرة» (برای وی رقیه بخوانید که او چشم خورده است). حافظ بغوی رحمه الله گفته است: «منظور از «النظرة» چشم زخم است و می‌گوید: آن چشم زخمی از طرف جن می‌باشد و گفته شده است: چشمهای جن‌ها از سر نیزه فرو رونده‌تر هستند».

شکی نیست که وقتی انسان لباسهایش را در می‌آورد که آنها را عوض کند و یا هنگام قضای حاجت و مانند آن، باعث چشم خوردن می‌شود و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله از چشم زدن بر حذر داشته است و آن توسط یاد الله تعالی صورت می‌گیرد، حدیثی آن را روشن می‌کند که امام احمد و ترمذی و دیگران آن را روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «ستر ما بین

۱ - فارسی آن شیرینه است و آن وقتی است که قسمتی از رنگ پوست عوض می‌شود. (مترجم)

أعين الجن وعورات بنی آدم إذا دخل أحدهم الخلاء - وفی
روایه: إذا وضع أحدهم ثوبه - أن يقول: بسم الله» (پرده‌ای که
بین چشمهای جن‌ها و عورت‌های فرزندان آدم وجود دارد،
هنگامی که به دستشویی می‌روند - و در روایتی لباسش را در
می‌آورد - این است که بگوید: به نام الله).

* دوم: شایسته است کسی که مستعد چشم خوردن
است، از آن برحذر باشد، تا چشم زخم به وی نرسد، منظور
مانند حالتی است که زنان زیبایی‌های خود را آشکار می‌کنند
و یا زیبایی‌های دخترانشان را به شکلی فضح آشکار می‌کنند
و مخصوصا در مناسبت‌ها و جشن‌ها و مانند آن، و شواهد بر
آن دلالت دارد و عواقب دردناک آن دیده شده است. در این
باره شاعر می‌گوید:

ماکان أحوج ذا الكمال

إلى عيب يوقيه من العين

* در صحیح مسلم از جابر بن عبد الله آمده است که

گفت: رسول الله ﷺ به آل حزم اجازه داد تا برای [نیش] ماری رقیه بخوانند و به اسماء دختر عمیس فرمود: «مالی أری أجسام بنی أخی ضارعة، تصییهم الحاجة؟» (من جسم‌های پسران برادرم را جز در لاغری نمی‌بینم که نیازی داشته باشند) [به این معنا که جسم‌های آنها لاغر و ضعیف است و آنان فرزندان جعفر بن اُبی طالب هستند]، او گفت: نه، ولی چشم زخم به سوی آنان می‌شتابد، فرمود: «ارقیهم» (برای آنها رقیه بخوان!)، گفت: آن (رقیه) را بر آنها جاری کردم و فرمود: «ارقیهم» (برای آنها رقیه بخوان).

* سوم: بعضی از مردم وقتی برای رقیه‌ی شرعی (قرآن درمانی) اقدام می‌کنند، به نزد کسی نمی‌روند که اعتقاد صحیح دارد و هدف و منهجش سالم بوده و از اهل علم است، و به همین دلیل به نزد جادوگران و دعا نویسان می‌روند که دارای هدفهای پلیدی هستند، کسانی که بیشتر از آنچه که اصلاح کنند، فساد می‌کنند، تا جایی که بعضی از آنها به امور حرام یا بدعت یا آمیخته با شرک امر می‌کنند - از الله درخواست

سلامت از آنها را دارم - و واجب است کسی که درخواست رقیه دارد از آن برحذر باشد و امر را روشن شده ببیند.

* برای آن که رقیه، شرعی باشد، باید شرطهایی وجود داشته باشد:

اول: آن که با قرآن صورت گیرد و یا از سنت پاک آمده باشد.

دوم: به زبان عربی باشد و معنای آن قابل درک باشد.
سوم: اعتقاد داشته باشد که رقیه به تنهایی اثری ندارد، بلکه تقدیر الله تعالی است که باعث شفا می شود و آن فقط سببی است، همچنین باید از به گردن انداختن تمیمه یا دعا‌های حرام جلوگیری کند.

چهارم: واجب بودن توکل بر الله تعالی و سپردن امور به وی و این همراه تهیه اسباب می باشد و باید از توهّمات و وسوسه هایی که اساس و اصلی ندارد باید برحذر باشد و در این سخن الله تعالی که از زبان پیامبرش یعقوب علیه السلام آورده است، باید تأمل انجام دهیم: ﴿وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [یوسف: ۶۷] (ای پسرانم! از یک درب وارد نشوید! و از دریهای مختلف به آن وارد شوید و من شما را ذره‌ای از الله بی‌نیاز نمی‌کنم، حکم فقط برای الله است، فقط بر او توکل می‌کنم و توکل کنندگان فقط بر او توکل می‌کنند).

پنجم: باید دانسته شود آنچه که در قبل درباره‌ی چشم زخم و حفظ شدن از آن و درمان آن بیان داشتیم، فقط به کسی سود می‌رساند که آنچه از طرف الله تعالی و آنچه از طرف فرستاده‌اش ﷺ آمده است را تصدیق کند، اما کسی که شکی در آن دارد و یا در آن مردد است، منفعت بردن او از درمان ضعیف می‌شود.

از الله تعالی درخواست می‌کنم که ما و مسلمانان را از هر بدی و بلا و فتنه حفظ کند و تمامی ما را به آنچه دوست دارد و از آن راضی می‌شود، هدایت فرماید. و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه و التابعین. و سلم تسلیماً کثیراً.